

ارزیابی شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرایند طراحی معماری^۱

کوروش حاجی زاده علمداری

دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ایرج اعتصام^۲

استاد تمام گروه معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

سید مصطفی مختاباد امرئی

استاد تمام گروه معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

آغاز هر رویداد خلاقانه طراحی، همواره با سوالاتی در ذهن طراح همراه بوده است؛ چرا که این مسیر پرفراز و نشیب و پر از ابهام که مشتمل بر مراحل و فعالیت‌های مختلف است، طراح را به پاسخ‌هایی متعدد سوق می‌دهد که هر کدام شامل زوایایی آشکار و پنهان از موضوع هستند. از این حیث فرایند طراحی در هر کدام از موضوعات و مراحل توأم با چالش‌هایی است طراح را به پیش می‌خواند. اما آنچه که در این مسیر اهمیت خاصی دارد، نقطه آغاز طراحی و مرحله ایده‌یابی است که حاصل آن شکل‌گیری مولد اولیه به مثابه ایده و انسجام دهنده طرح است. در این راستا، بهره‌گیری از تأثیرات زمینه و بستر طراحی را شاید بتوان به عنوان نقطه آغازی بسیار مهم و تأثیرگذار در فرایند طراحی معماری قلمداد کرد. این در حالیست که می‌توان تأثیرات زمینه و بستر طراحی را به عنوان نقطه آغازی بسیار مهم و تأثیرگذار در فرایند طراحی معماری قلمداد کرد. با عنایت به موارد ذکر شده، تحقیق حاضر با هدف تبیین و تحلیل شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرایند طراحی، انجام پذیرفت که در گام نخست پژوهش، با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و استادی، شاخص‌های زمینه‌گرایی استخراج و تبیین گردید و در ادامه تحقیق و گام دوم، با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق با خبرگان حوزه معماری و شهرسازی، اعم از اساتید دانشگاه و معماران حرفه‌ای به تحلیل و ارزیابی شاخص‌های زمینه‌گرایی مستخرج از مطالعات گام نخست پژوهش در فرایند طراحی پرداخته شد؛ که نهایتاً نتایج حاصله، حاکی از تأثیرگذاری کیفیاتی کالبدی، فضایی و مادی و همینطور ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی زمینه موجود است. این در حالیست که نمی‌توان تأثیرگذاری شاخصه‌های دیگر زمینه را در این مهم انکار کرد.

کلمات کلیدی: زمینه‌گرایی، شاخص‌های معماری زمینه‌گرا، فرایند طراحی معماری

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری تخصصی معماری، کوروش حاجی زاده با عنوان ((نقش الهام از زمینه در بهبود فرایند طراحی معماری)) است که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات به راهنمایی جناب آقای دکتر ایرج اعتصام و مشاوره جناب آقای دکتر سید مصطفی مختاباد امرئی در حال انجام است.

ظهور سبک‌های مختلف طراحی معماری در طی قرون اخیر و به فراخور آن خلق بناهایی با طرح و شیوه کاملاً متمایز از هم، وضعیت کاملاً متفاوتی را برای معماری هزاره سوم رقم زده است؛ چنانکه تحلیل تحولات معماری قرن بیستم در اندیشه‌های مدرنیسم، پست مدرنیسم و رویکردهای اخیر نشان دهنده این نکته مهم می‌باشد که طراحی معماری بدون در نظرگیری رویکرد متعادل و منطقی در توجه به عوامل اصلی و اثرگذار در معماری، همراه با انتقادات جدی و تغییرات گسترده در پارادایم‌های طراحی خواهد بود. چنانچه می‌توانیم انتقادات اصلی و تغییرات مهم بوجود آمده در معماری مدرن را ناشی از عدم توجه به زمینه طراحی (بستر، تاریخ، فرهنگ و غیره) و نگاه سطحی به نیازهای انسانی بدانیم؛ و نقاط ضعف مهم در اندیشه پست مدرن را در فهم و برداشت کلی از مقوله فرهنگ، هویت و تاریخ و نیز عدم توجه به بحث خلاقیت در آفرینش فرم و فضا و نقش فعال فرایند طراحی در ارتقای کیفیت اثر معماری قلمداد کنیم؛ این درحالیست که با نگاه به سیمای شهری و نمای ساختمانها در دوره معاصر، می‌توان چنین برداشت کرد که تنوع موجود در جداره‌ها و فرم‌های شهری، هر کدام راوی داستانی منحصر به فرد هستند. داستانی که هر ساختمان از نقطه آغاز تا به نهایت، روایت می‌کند. اما آنچه که در این نوشتار حائز اهمیت است، شناخت و ارزیابی خصوصیات است که بر شکل‌گیری این ابنیه تاثیر مستقیم و غیر مستقیم می‌گذارد. نقطه آغاز هر بنا با هدف و عملکرد آن همسو است؛ چنانکه پاسخگویی به نیازهای انسانی (اعم از فیزیکی، روانی و معنوی) هدفی است که هر بنا و ساختمان در راستای تامین این موارد ایجاد می‌شود؛ اما آنچه که در پروسه طراحی و شکل‌گیری هر کدام از این ساختمانها بصورت کاملاً متفاوت از هم تاثیر می‌گذارد، خصوصیات و ویژگی‌های زمینه‌ای هر بناست. خصوصیات زمینه‌ای همواره و در مراحل متعدد طراحی و شکل‌گیری بنا تاثیرات مستقیم و گاه غیرمستقیم دارد که این تاثیرات بسته به موقعیت و ویژگی‌های بستر طرح، می‌توانند در این پروسه دخیل باشند. رویکرد و چشم‌انداز معماری زمینه‌گرا، دقیقاً همراستا با این موازین است؛ بگونه‌ای که خصوصیات و ابعاد زمینه و بستر را ارج می‌نهد و بر توجه طراح و معمار به خصوصیات مذکور تاکید دارد. از اینرو تحقیق حاضر با هدف تبیین و ارزیابی شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرایند طراحی معماری، با استناد به نتایج حاصله در پی بسترسازی مناسب برای حل مسئله ذکر شده می‌باشد. بر این اساس، پرسش‌های اصلی زیر در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته و در ادامه سعی شده است بدان‌ها پاسخ گفته شود:

۱- شاخص‌های زمینه‌گرایی کدامند؟

۲- کدامیک از شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرایند طراحی از میزان تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است؟

در ادامه و در راستای پاسخگویی به سوالات مطرح شده و در گام نخست پژوهش به تبیین شاخص‌های زمینه‌گرایی و درگام بعدی به بررسی شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرایند طراحی معماری پرداخته شد؛ که ابتدا و در راستای تدوین چارچوب نظری تحقیق، لزوم یافتن مفاهیم مرتبط با فرایند طراحی و همچنین پرداختن به زمینه‌گرایی و شاخص‌های آن کاملاً محسوس است.

با در نظر گرفتن پارادایم دوگانه برای تحقیق حاضر، این مطالعه از نوع «کمی» بوده و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام می‌گیرد؛ در این پژوهش برای پیشبرد اهداف و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده، در بخش‌های نخست از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی برای استخراج شاخص‌های زمینه‌گرایی بهره گرفته شد و در ادامه با بکارگیری ابزار

پرسشنامه دلفی شاخص‌های زمینه‌گرایی در فرایند طراحی مورد مذاقه قرار گرفت؛ جامعه آماری تحقیق حاضر جهت نظرسنجی، صد نفر از خبرگان حوزه معماری و شهرسازی، اعم از اساتید دانشگاه و معماران حرفه‌ای بودند که با استفاده از روش کلاین، تعیین گردید. نهایتاً نتایج حاصل از نظرسنجی انجام یافته در قالب ۵۱۳ داده آماری در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که منجر به استخراج و ارزشگذاری شاخصه‌های زمینه‌ای موثر بر فرایند طراحی معماری حاصل شد.

چارچوب نظری

روش و فرآیند طراحی از منظر واژه‌شناسی

واژه انگلیسی روش (Method) از ریشه یونانی Method (meta) با یا مشترک + odos، راه). به مثابه راه‌های مشترک با داشتن راه‌های انجام کارهاست، بنیاد روش در نظم‌های قابل تکثیر یا طبقه بندی واقع شده است که برای فهم و بهتر انجام دادن به کار گرفته می شود. روش تحقق یافتن {به انجام رسیدن} در گونه‌ای قاعده‌مند، رویه‌ای منظم، جایگشت سامان‌مند موضوعات است. روش به معنی طرز، طریقه، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب، و تیره، نسق، منوال، سبک، طریق، گونه، سنت، نمط، رسم و آئین، نهج (لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۳۷۸). رویه (یا شیوه ای) برای دست یافتن به یک شی (ابژه)، یا فرم ویژه‌ای از یک رویه‌ی منطبق در شاخه‌ای از فعالیت فکری است؛ راه انجام هرچیز، با توجه به برنامه‌ای مشخص (oxford Advanced Dictionary، 2005: 963). رویه و فنون شاخص هر نظام مشخص یا زمینه‌ای از دانش (American Heritag Dictionary، 2020). طراحی روندی ناهمگن است؛ طراحی اغلب متأثر از تجارب شخصی، زمینه اجتماعی-فرهنگی طراحان در کنار شرایط فنی و اقتصادی جامعه است (یورماکا، ۱۳۹۱: ۱). در فرآیند طراحی، از زمانی که طراح با یک مسئله طراحی مواجه می شود تا وقتی که بتواند به پاسخی مناسب برای آن دست یابد، مسیر پرفراز و نشیب و پر از ابهامی را طی می کند که مشتمل بر مراحل و فعالیت های مختلفی است و تعیین دقیق این مراحل و چگونگی مواجهه هر طراح بامسئله تا مرز ناممکن دشوار به نظر می رسد. آنچه که در این مسیر اهمیت خاصی دارد نقطه آغاز طراحی و مرحله «ایده یابی» است که حاصل آن، شکل‌گیری مولد اولیه به مثابه ایده وحدت‌بخش و انسجام دهنده طرح است.

ایده‌های اولیه، افکار و مفاهیمی هستند که طراح را در اندیشیدن کمک می کنند. این ایده‌ها نقش کلیدی در توسعه راه‌حل‌های خلاق دارند و رویکرد کلی طراحی طراحان را شکل می دهند. در ادبیات مربوط به طراحی، ایده اولیه و عامل آغازگر طراحی، با عناوین مختلفی همچون «حدس»، «ایده ساختاردهنده»، «قاب مسئله»، «اصل سازمان دهنده»، «طرح مایه»، و «مولد اولیه» مورد توجه صاحب‌نظران حوزه طراحی بوده است. واژه‌ها و تعبیر یادشده علی‌رغم تفاوت‌های ظریف، هم‌خانواده هستند و می‌توانند جانشین یکدیگر شوند، ضمن آنکه همه به رویداد واحدی که در مرز میان فضای مسئله و فضای راه‌حل طراحی اتفاق می‌افتد. در واقع، طراحی فرایندی است مبتنی بر دانش. بر این اساس، اهمیت دانش و آگاهی مربوط به موقعیت طراحی و لزوم بهره‌گیری از آن در مرحله شکل‌گیری ایده و آغاز طرح، نیازی به اثبات ندارد (کلامی و ندیمی، ۱۳۹۳: ۱۹-۲۰). از اینرو شاید بتوان چنین بیان کرد که طراحی یک فعالیت دانش محور است. با توجه به جایگاه مهم دانش در فرآیند طراحی، انواعی از دانش که طراح طی فرآیند

طراحی به کار می‌برد، در قالب دوگانه‌هایی از سوی صاحب‌نظران حوزه طراحی مطرح شده است که به نمونه‌هایی از این دوگانه‌ها به طور خلاصه در جدول زیر اشاره شده است.

جدول ۱. انواع دانش طراحی

انواع دانش طراحی		صاحب‌نظر
دانش بیانی (declarative knowledge)	دانش روبه‌ای (procedural knowledge) - دانش هنجاری (normative knowledge)	بایزیت (N. Bayazit, "Designing: Design Knowledge: Design Research: Related Sciences", pp 121-136).
دانش پیش‌گو (predictive knowledge)	دانش اکتشافی تسهیل‌کننده تصویربرداری (heuristic catalyst for imaging)	زایل (B. Lawson, "What designers know", p. 14)
دانش عمومی (گردآوری شده) (general (compiled) knowledge)	دانش خاص (موردی) (specific (case) knowledge)	رزمن، جیرو و آکسمن (M. A. Rosenman, J. S. Gero, R. E. Oxman, "What's in case: the use of case bases, knowledge bases and data bases in design", p. 2-3)
دانش انتزاعی (عام) (abstract (general) knowledge)	دانش ایزودیک (episodic knowledge)	ویسر (W. Visser, "Use of episodic knowledge and information in design problem solving", p. 171-187)
دانش نظری (theoretical knowledge)	دانش تجربی (experiential knowledge)	لاوسون (B. Lawson, <i>ibid</i> , p. 95-104)
دانش قابل بیان (صریح) (articulate (explicit) knowledge)	دانش بیان‌ناشدنی (روبه‌ای) (inarticulate (procedural) knowledge)	وینود گوئل (V. Goel, "Dissociation of Design Knowledge", p. 221)

منبع: (کلامی و ندیمی، ۱۳۹۳: ۲۷)

ماهیت طراحی، یکی از پیچیده‌ترین مهارت‌های انسان است، که معطوف به مسائل باز و بدساختار، موجب شده که فرآیند طراحی بیشتر مبتنی بر دانش شخصی و «تفسیرهای ذهنی» طراح از موقعیت طراحی باشد. براساس تعاریف، دانش شخصی، طراحی دانش نامکتوب و فرمول بندی نشده‌ای است که طراح آن را نه از طریق آموزش و مطالعه کتب و مجلات، بلکه بطور شخصی کسب کرده است. این نوع دانش، دانشی ناگفتنی و منحصر به فرد از طراحی و عوامل موثر بر آن است. در واقع ذهن طراحان در فرآیند طراحی، با پیش‌زمینه‌های حاصل از تجارب علمی و ادراکی آنها از موقعیت‌ها و نمونه‌های تجربه شده بارور می‌گردد و بر اساس دانش شخصی حاصل از آن طراحی می‌کنند؛ بطوریکه موقعیت طراحی که با موضوع و بستر طرح مشخص می‌شود، جایگاه مهمی در روند شکل‌گیری و توسعه طرح دارد. موضوع طراحی دربردارنده ویژگی‌های کارکردی یعنی عملکردها، فعالیت‌ها، حوزه بندی و نظام آن‌ها، فضاها و ارتباطات آن‌ها، ویژگی‌های شکلی و ساختاری شامل فرم، هندسه و مقیاس و همچنین ویژگی‌های معنایی شامل کیفیت‌های ذهنی و احساسی مورد انتظار است. بستر طرح نیز دربردارنده ویژگی‌های کلی شامل اقلیم و فرهنگ و ویژگی‌های موردی شامل هندسه، توپوگرافی و همجواری است. (همان، ۲۹). این درحالیست که نقش بستر و زمینه طراحی، بیش از پیش پررنگ می‌گردد که ابعاد متعدد این موضوع در حیطه ادبیات معماری زمینه‌گرا کاملاً تشریح شده است. در ادامه نوشتار لزوم پرداختن به مفاهیم مرتبط با زمینه، زمینه‌گرایی و شاخصه‌های مربوط کاملاً محسوس است.

مفاهیم مرتبط با زمینه‌گرایی

زمینه‌گرایی، رویکردی رایج در شهرسازی و همینطور معماری است که بستر و زمینه طراحی را همچون الگویی برای طراحی کارآمد می‌پندارد که هدف غایی آن ایجاد ارتباط بصری منطقی و معنایی بین معماری با زمینه است. در خصوص رویکرد زمینه‌گرایی و اهداف آن، نظرات متفاوتی از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه ایراد شده است؛ از این رو در این بخش برای دستیابی به چارچوب جامع‌تر در ارتباط با معماری زمینه‌گرا، دیدگاه‌های

مختلف مورد توجه قرار گرفت. «برنت سی. برولین»^۱، معمار و متفکر معماری، زمینه‌گرایی را تمایلی برای ایجاد ارتباط میان ساختمان و محیط پیرامون می‌داند که در طی زمان شکلی واحد به خود گرفته است (۱۹۸۰: ۱۵). بیل هیلیر^۲، وجهی دیگر از زمینه‌گرایی را مورد بحث قرار می‌دهد و معتقد است که یکپارچه سازی عناصر کالبدی و تشکیل یک کل واحد، راه‌حلی برای درک بهتر کالبد و فضا است (هیلیر، ۱۹۹۶). چارلز جکمز^۳ نیز در این باره چنین می‌نگارد: «رویکرد و رسالت اصلی معماری زمینه‌گرا دریافت ارزش‌های معنایی و کالبدی زمینه و تداوم بخشیدن آن در معماری آتی ابنیه است؛ به عبارتی هماهنگ سازی ساختمانهای جدید با معماری سنتی و مقیاس شهری نگاه اصلی نظریه زمینه‌گرایی در معماریست» (جنکز، ۲۰۰۲: ۱۳۵)؛ استیون هال^۴ معتقد است که معماری مسئولیت توجه ویژه و موشکافانه روی زمینه را دارد؛ زیرا زمینه می‌تواند مجموعه‌ای از پیشنهادات مناسب را به عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری فراهم آورد. زمینه برای وی تنها بستر ساختمانی نیست، بلکه مفاهیم طراحی را نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر، از نظر هال، زمینه یک منبع اساسی برای طراحی است. او بر این باور است که «ما همیشه با یک زمینه و موقعیت جدید روبرو هستیم و باید طبق شرایط موجود، فرایند طراحی را انجام دهیم» (یورقانیچی اوغلو، ۲۰۰۴: ۶۸). فرانک گهری^۵ معمار مشهور آمریکایی نیز هم نظر با هال در این رابطه است. به عقیده فرانک گری، «معماری باید از زمان و مکان خود صحبت کند، اما با توانایی بی‌زمان بودن» (سانگوی، ۲۰۱۷: ۷۶). الکساندر^۶ نیز تلاش برای رسیدن به ارتباطی مقبول و سازگار بین فرم و زمینه را هدف اصلی معماری می‌داند (الکساندر، ۱۳۸۹). چنانکه در سطور قبل اشاره گردید، اکثر معماران و صاحب‌نظران به موضوع چگونگی ارتباط معماری و بستر طرح، نگاهی مشترک و همسو دارند. آنچه که از مطالعه نظرات متخصصین حوزه زمینه‌گرایی می‌توان استنباط کرد، عبارت است از اینکه عناصر کالبدی شهرها بصورت انفرادی و منفصل از هم توانایی پردازش کالبد و سیمایی واحد را ندارند، بلکه به بستر و بافت محیط پیرامونی خود وابسته‌اند. از این رو، نمی‌توان فقط در جستجوی خواص و ابعاد پدیده‌ها بود و به جوهر پدیده‌ها بدون توجه به زمان و زمینه‌ای که در آن قرار دارند-نگریست. واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن‌ها نیز به این عوامل وابسته است (استوکولس و آلمن، ۱۹۸۷: ۱۵-۱۸). دیدگاه مزبور ابتدا به جنبه‌های صرفاً کالبدی توجه داشت. اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه خود را به وجوه اجتماعی - فرهنگی جامعه گسترش داد. در این دیدگاه ایده‌ها و عناصر شهرهای گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. بنابراین معمار زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۵). از این رو در عین حال که به گونه‌ای ضمنی به تمایز مکانی نظر دارد، به صراحت تداوم ارزش‌های کالبدی و غیرکالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است. با این حال، ایجاد ارزش‌های جدید (تحول) را نفی نمی‌کند (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۵).

ابعاد زمینه‌گرایی

نظرات محققین و معماران در رابطه با ابعاد زمینه‌گرایی دارای نقاط اشتراک و افتراق مختلفی است، که در این بخش به بررسی برخی از این نظرات پرداخته شد. مریل سی. گینز^۷ ابعاد زمینه‌گرایی را در سه بخش زمینه‌گرایی فرمی - زمینه‌گرایی فعالیتی و زمینه‌گرایی اقلیمی معرفی می‌کند او در ادامه به ضرورت مطالعه بیشتر «زمینه‌گرایی فعالیتی»

تأکید نموده و این مسئله را یادآور می‌شود که الگوی فعالیتی، اطلاعات فنی و گسترده‌تری را در اغلب موارد - از جمله دو گروه دیگر - به مخاطب انتقال خواهد داد (گینز، ۱۹۸۰: ۲۱). استیون هارت^۸، ابعاد زمینه‌گرایی را در دو بعد زمینه مصنوع و زمینه فرهنگی بررسی و مطرح کرده است؛ او زمینه‌گرایی را جهشی به سمت شکل‌گیری معماری و شهرسازی برگرفته از محیط پیرامون می‌داند (هارت، ۱۹۸۷). رو و کوتر ابعاد فرهنگی - اجتماعی و تاریخی شهرها را در شکل‌گیری کالبد، بسیار موثر می‌دانند (رو و کوتر، ۱۹۷۸). سایمون بل^۹ نیز، زمینه‌گرایی را در سه بعد زمینه‌گرایی فرمی و بصری - ادراکی و معنایی - و زمینه‌گرایی تجربی و عملکردی تقسیم می‌دارد (بل، ۱۳۸۲). پاتریک گدس^{۱۰} نیز جنبه تاریخی زمینه را تأثیرگذار می‌داند و شکل‌گیری کالبدی مناسب و پاسخده را در گرو تبعیت از برداشت‌های تاریخی می‌پندارد (گدس، ۱۹۶۸: ۶۶). در نهایت، بر اساس مطالعات انجام‌یافته و تجمیع آراء صاحب‌نظران حوزه زمینه‌گرایی و بررسی نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها، می‌توان ابعاد زمینه‌گرایی را در دو شاخه اصلی و عمده، شامل ۱- کیفیات «مستقیم» معماری و شهرسازی (الف: الگوها و عناصر معماری سنتی و تاریخی؛ ب: کیفیت‌های مادی، کالبدی و فضایی در زمینه موجود) و ۲- کیفیات «غیرمعمارانه» یا در ارتباط «غیرمستقیم» با معماری و شهرسازی (ج: شرایط طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی؛ د: کیفیت‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی) دسته‌بندی نمود. علاوه بر این تقسیم‌بندی کلی ارائه شده، هر یک از بخش‌های ذکر شده دارای زیرمؤلفه‌هایی است که در نمودار زیر به تشریح کامل آن‌ها پرداخته شده است. لازم به ذکر است با وجود تفکیک کامل این بخش‌ها، برخی از این زیرمؤلفه‌ها به دلیل وجود اشتراکات، می‌توانند همزمان در بخش‌های دیگر نیز جای‌گذاری شوند.



نمودار ۱. دسته‌بندی ابعاد تحلیلی رویکرد زمینه‌گرایی از دیدگاه صاحب‌نظران و استخراج زیرمؤلفه‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جامعه آماری و مورد پژوهی

پس از شناسایی و تبیین شاخصه‌های زمینه‌گرایی، در این بخش به واکاوی و ارزیابی این شاخصه‌ها از لحاظ تأثیرگذاری بر فرایند طراحی معماری پرداخته شد. طبق روش «کلاین» جامعه آماری در این پژوهش ۱۰۰ نفر تعیین گردید که در جهت حصول نتیجه و تحقق هدف تحقیق، هر کدام از شاخصه‌های زمینه‌گرایی در قالب سوالاتی جهت تدوین پرسشنامه گردآوری شد. اطلاعات مورد نیاز در طی نظرسنجی از صد نفر از اساتید، معماران حرفه‌ای

و خبرگان حوزه معماری و شهرسازی کسب شد که در قالب ۵۱۳ داده آماری در نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ که نتایج حاصله از این نظر سنجی در قالب جدول زیر نمودار شد.

جدول ۲- سوالات مطرح شده در قالب پرسشنامه و نتایج حاصله

درصد	انحراف معیار	سوالات / شاخص های زمینه‌گرایی
بخش اول: کیفیات مستقیم معماری و شهرسازی:		
الف) الگوها و عناصر معماری سنتی و تاریخی:		
۷۱/۶	۱	نقش شاخص «به کارگیری عناصر، خصلت‌ها و الگوهای فضایی معماری و شهرسازی گذشته» را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟
۶۷/۲	۱/۰۴	نقش شاخص «الهام یا به‌کارگیری خصلت‌ها و الگوهای فرمی و شکلی معماری و شهرسازی گذشته» را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟
ب) کیفیات مادی، کالبدی و فضایی در زمینه‌ی موجود		
۸۰/۴	۱/۰۳	نقش الهام یا به کارگیری خصوصیات کالبدی زمینه موجود، همچون ابعاد، مقیاس، تناسبات، ریتم، رنگ، مصالح و ... غیره را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟
الهام یا به کارگیری کدام یک از خصوصیات کالبدی زمینه‌ی موجود می‌تواند در بهبود فرایند طراحی معماری مؤثرتر باشد؟		
	۲۴/۵	ابعاد
	۵۴/۱	مقیاس
	۷۲/۴	تناسبات
	۳۸/۸	ریتم
	۲۲/۴	شکل
	۷۳/۵	هندسه
	۵۲	فرم
	۳۶/۷	ترکیب
	۴۴/۹	رنگ
	۵۷/۱	مصالح
	۱۶/۳	سایر
۸۳/۲	۰/۰۸	نقش الهام یا به کارگیری خصوصیات فضایی زمینه موجود، همچون دسترسی، رابطه‌های فضایی، جهت‌گیری، رابطه توده-تهی، نور، دید و ... غیره را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟
دسترسی		
	۵۱/۵	رابطه‌های فضایی
	۸۲/۸	جهت‌گیری و امتداد
	۴۹/۵	قرارگیری و استقرار
	۴۲/۴	نسبت و رابطه توده-تهی
	۷۲/۷	نور
	۷۲/۷	دید و چشم انداز
	۵۴/۵	حرکت
	۴۱/۴	سایر
بخش دوم: کیفیات غیرمعمارانه یا در ارتباط غیرمستقیم با معماری و شهرسازی:		
الف) شرایط طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی:		
۷۹	۱/۱۲	نقش توجه به عوامل اقلیمی همچون تابش آفتاب، درجه حرارت، باد و ... غیره را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟
تابش آفتاب		
	۹۴/۹	درجه حرارت
	۶۰/۶	باد
	۶۹/۷	رطوبت
	۵۱/۵	بارندگی
	۵۲/۵	سایر
	۲۱/۲	نقش توجه به عوامل جغرافیایی و طبیعی همچون شرایط آب‌های سطحی و زیرزمینی، شرایط و جنس خاک، ناهمواری‌ها و توپوگرافی و غیره را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟
۷۳/۸	۱/۱۴	شرایط آب‌های سطحی و زیرزمینی
	۲۶/۳	شرایط و جنس خاک
	۳۴/۳	سایر

ناهمواری‌ها و توپوگرافی	۸۰/۸
شیب زمین	۷۲/۷
پوشش گیاهی	۷۰/۷
عناصر طبیعی تاثیرگذار	۶۸/۷
سایر	۱۲/۱
(ب) کیفیات انسانی، اجتماعی و فرهنگی:	
نقش «توجه و احترام به الگوهای رفتاری- اجتماعی، فعالیت‌ها و آداب و رسوم در زمینه مورد نظر» را در بهبود فرایند طراحی چطور ارزیابی می‌کنید	۰/۹۹
نقش «توجه و احترام به رویدادها، الگوها و ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی در زمینه مورد نظر» را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟	۰/۹۲
نقش شاخص «پاسخگویی به نیازهای انسانی (فیزیکی، روانی و معنوی) مرتبط با زمینه مورد نظر» را در بهبود فرایند طراحی معماری چطور ارزیابی می‌کنید؟	۰/۹۴
	۸۷/۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

علیرغم نظرات گاه‌ها متفاوت محققین و پژوهشگران، در این پژوهش ابعاد زمینه‌گرایی در دو بخش ۱- کیفیات «مستقیم» معماری و شهرسازی ۲- کیفیات «غیرمعماران» یا در ارتباط «غیرمستقیم» با معماری و شهرسازی تقسیم بندی گردید. بطور کلی در تشریح تقسیم بندی شاخص‌های زمینه‌گرایی در این پژوهش چنین می‌توان بیان کرد که ابعاد زمینه‌ای بستر، که می‌تواند بر شکل‌گیری و فرایند طراحی معماری، موثر باشد در گام نخست از دوجنبه فوق قابل بررسی و تقسیم بندی است که در ادامه هر کدام از این وجوه به زیر مجموعه‌هایی تقسیم می‌گردد که تشریح این موارد در نمودار شماره ۱ قابل مشاهده است.

در بخش دوم تحقیق و پس از شناسایی شاخصه‌های زمینه‌گرایی به ارزیابی این شاخصه‌ها از منظر معماران حرفه‌ای و اساتید دانشگاه پرداخته شد که این مهم با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه حاصل گردید. نتایج حاصله از این بخش حاکی از این مطلب است که تاثیرگذاری کیفیات و ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی زمینه موجود بسیار تاثیرگذارتر از بقیه موارد در فرایند طراحی است؛ با این اوصاف، علیرغم تصور عامه مردم، صرفاً کالبدی زمینه و بستر طرح را نمی‌توان موثر بر فرایند طراحی معماری دانست؛ از سویی دیگر نمی‌توان تاثیرگذاری شاخصه‌های دیگر زمینه را در این مهم انکار کرد؛ به نحوی که با استناد به نتایج حاصله از این پژوهش، کیفیت‌های کالبدی، مادی و فضایی در زمینه موجود رتبه دوم را بعد از کیفیات و ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی زمینه موجود در نظرسنجی از منظر جامعه آماری را کسب نمود. با این تفاسیل می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شکل‌گیری یک معماری موفق زمینه‌گرا، توجه صرف به ابعاد کالبدی زمینه و بستر طرح، به هیچ عنوان نمی‌تواند تضمین کننده شکل‌گیری یک معماری موفق زمینه‌گرا باشد؛ چرا که شناخت ابعاد و خصوصیات انسانی، فرهنگی و اجتماعی بستر طرح در کنار ابعاد کالبدی، از ملزومات این مهم می‌باشد.

منابع

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۹). شهر درخت نیست. ترجمه فرناز فرشاد و شمین گلرخ. تهران: آرمانشهر.
- بل، سایمون. (۱۳۸۲). منظر الگو، ادراک، فرآیند. ت: بهناز امین زاده] تهران: [دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، محل نشر: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کلامی، مریم و حمید ندیمی (۱۳۹۳). تاملی بر نقش دانش شخصی از موقعیت طراحی در شکل‌گیری مولدهای اولیه طراحی. نشریه صفا (۶۴): ۱۹-۲۰-۲۹.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). "معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها". نشریه هنرهای زیبا. پاییز ۱۳۸۳: ۱۷-۲۶، ۱۹.
- یورماکا، کاری (۱۳۹۱). مقدماتی بر روش‌های طراحی معماری، ترجمه کاوه بذرافکن، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد تهران مرکزی.

- Brolin, B.C(1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.
- Dictionary of English NODE (2005). Oxford University Press – London.
- Gaines, Merrill C. (1980). "Teaching a Contextual Architecture". JAE, Vol. 33, No. 3 (Spring, 1980), pp. 21.
- Geddes, P. (1968). Cities in Evolution. An introduction to the Town Planning Movement and to the Study of Civics. London: Ernest Bern Limited.
- Hillier, B. 1996. Space is the Machine: a Configurational theory of Architecture. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hurt, Steven, Contextualism of 6 paradigms, politics and poetry". Inland Architect, sep./oct.1987.
- Jencks, Charles. 2002. New Paradigm in Architecture (7th ed.). Yale University Press.
- Rowe, C. & Koetter, F. (1978). College City. Cambridge: MIT Press.
- Sanghvi, Nikhil. 2017. "Context in Architecture. International Journal on Emerging Technologies". Vol .8(1): 76.
- Stokols, D. & I. Altman. 1987. Handbook of Environmental Psychology. New York: John Wiley & Sons.
- Yorgancioglu, Derya. 2004. Steven Holl: A Translation of Phenomenological Philosophy into the Realm of Architecture, For the Degree of Master of Architecture, Middle East Technical University, September 2004.
- <https://www.ahdictionary.com/word/search.html?q=1>